



عکس: سانا صفائی / شهرآرا

گفت و گو با بانو گلبهار حیاتی
هنرمندی که به تکه های بی ارزش پارچه ها جان می بخشد

هنر روزهای تنهایی

شهرآرا

شهربانو

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۲۵۰۰ روزنامه شهرآرا

۱۴۰۰ ۰۷ ۱۹

۲شنبه

چگونه
پایان شب سیه
سپید می شود؟
مادران در شادی آفرینی چه نقشی دارند
و چگونه می توانند فرزندان توانمندی
پرورش دهند؟

دغدغه
مادرانه ای
به نام آموزش
مجازی



محدثه جزایی

دبیر انجمن علوم سیاسی شعبه خراسان

(آفاق)

دغدغه مادرانه‌ای به نام آموزش مجازی

این دومین سال تحصیلی است که سایه هراس از همه‌گیری کرونا بر لحظه‌های خاطره‌آفرین مهرماه سنگینی می‌کند و نمی‌گذارد کام دانش‌آموزان و خانواده‌ها با شوق کلاس اولی‌ها، بوی نو کتاب و هیجان روز آشنایی با معلم شیرین شود. چه در زمانه آموزش به صورت سنتی و حضوری، چه حالا که کرونا انگار قصد رفتن ندارد، پیگیری وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان امری زنانه و مادرانه تلقی می‌شده است و می‌شود. مزایا و فرصت‌هایی که آموزش مجازی پیش‌روی دانش‌آموزان و دانشجویان گذاشته است اندک نیست، اما درباره اینکه چنین آموزش‌هایی به‌ویژه در دوران ابتدایی تحصیلات به یک وظیفه مادرانه تبدیل شده است، تقریباً هیچ تردیدی وجود ندارد.

تفاوتی که میان این ۲ دوران می‌توان برقرار کرد این است که در دوران آموزش سنتی، مدارس و معلمان نهادها و افرادهایی بودند که بار اصلی تعلیم را در کنار پرورش برعهده داشتند، اما هرچه به زمان حاضر نزدیک‌تر می‌شویم، با اهمیت یافتن نوع و کیفیت یادگیری، مادران بیش از گذشته در فرآیند آموزش دخیل می‌شوند. تازمانی که آموزش به صورت رودرو و حضوری جریان داشت، همکاری و مشارکت مادران با مدارس، بر کیفیت تحصیلات و پیگیری وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان اثر مثبت داشت، اما با قطع این همکاری حضوری و جایگزین شدن آن با گوشی‌ها، تبلت‌ها و صفحه‌های مجازی، مادران در جبهه آموزش و در صف اول افراد مؤثر بر آموزش رسمی قرار گرفتند. مادران و زنان علاوه بر ایفای وظایف سنتی خود در خانه، حالا با دل مشغولی تازه‌ای دست‌به‌گریبان‌اند که چالش‌های متعددی در برابر آن‌ها قرار داده است. مهم‌ترین چالشی که آموزش مجازی پیش‌روی مادران و زنان قرار داده است کیفیت پایین آموزش و نگرانی از ارزیابی نشدن صحیح جایگاه فرزندان است. درست است که کلاس و تخته‌سیاه جای خود را به صفحه کلید و کلیپ داده است، اما واقعیت این است که این تغییر ابزار تحول‌چندانی در حوزه آموزش به وجود نیاورده است. در بیشتر مدارس کشور هنوز هم آموزش به شکل سنتی جریان دارد و استفاده از فناوری بسیار کم‌رنگ است.

از سوی دیگر، تغییر شیوه تدریس از سنتی به حالت مجازی و آنلاین برای معلمان نیز معضل محسوب می‌شود زیرا آنان را مجبور به تغییر شیوه تدریس و مدیریت زمان می‌کند. تهیه محتوایی نیز که هم برنامه درسی را پوشش دهد هم دانش‌آموزان را درگیر خود کند چالش برانگیز است زیرا تا وقتی دانش‌آموزان آموخته‌های خود را تمرین نکنند، یادگیری نمی‌تواند به اهداف کامل آموزشی و پرورشی خود برسد. گاهی محتوای آنلاین نظری است و اجازه نمی‌دهد دانش‌آموزان تمرین کنند و به صورت مؤثر دروس را بیاموزند. از سوی دیگر، معلم نیز ابزار ارزیابی درست از عملکرد دانش‌آموز را ندارد. این مسئله به پیچیدگی آموزش مجازی و دل‌نگرانی‌های مادران می‌افزاید.

چالش مهم دیگر پیش‌روی مادران دل‌نگرانی از وضعیت جسمانی و سلامت روانی فرزندان‌شان است. بیشتر محصلان در سن بازی هستند و نیاز دارند بخشی از آموزش‌ها را از طریق بازی و حضور در محیط اجتماعی بیاموزند و در همان حین، نیازهای مربوط به سلامت جسم و روان از طریق بازی با هم‌سالانشان را برطرف کنند. این در حالی است که به‌باور محققان استفاده زیاد از تلفن همراه می‌تواند موجب سردرد، اضطراب، اختلالات خواب، اختلال در تمرکز، مشکلات بینایی و همچنین دردهای بدنی و مشکلات اسکلتی عضلانی شود که در پیامدهای آن سال‌های آینده آشکار می‌شود. مهارت ضعیف استفاده از فناوری نیز جزء نگرانی‌های مادران دانش‌آموزان مقطع ابتدایی است. برخی مادران با فضای مجازی و طریقه ایمن‌سازی آن برای فرزندان‌شان آشنایی کامل ندارند. هم‌چنین به علت مهارت پایین خود در استفاده از شبکه‌های رسمی موجود، نمی‌توانند به شیوه‌ای مؤثر بر عملکرد درسی کودک نظارت کنند.

در ادامه، می‌توان به چالش‌های اقتصادی همچون افزایش هزینه‌های تحصیل به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار اشاره کرد که آن هم باری دوچندان بر دوش خانواده‌ها به‌ویژه مادران و زنان می‌گذارد. اما نکته مهم این است که نهادهای رسمی آموزشی، همان‌گونه که درباره محتوای آموزشی برای کودکان و دانش‌آموزان فعالیت می‌کند، توجهی ویژه نیز به زنان و مادران در دوران آموزش مجازی نداشته باشند. طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی برای مادران ضرورت دارد. آشنایی با نحوه ایمن‌سازی صفحات مجازی و هم‌چنان محتوای دروسی که به‌روز و جدید می‌شوند، از مهم‌ترین نیازهایی است که می‌تواند بخشی از دغدغه‌های مادران را برطرف کند. جان کلام این‌که که مهرماه دیگر آغاز سال تحصیلی برای دانش‌آموزان به‌تنهایی نیست. شاید شروع دغدغه‌ها و چالش‌هایی برای مادران و زنانی باشد که آن‌ها نیز در نیاز به توجه و آموزش، نیازمند توجه هستند.

شهر بانو

شهر بانو

۲۰ شهریور ۱۴۰۰
۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ شماره ۳۵۰۰

(۲)



عکس تزئینی است



تکنم جاوید

کارشناس رشد روانشناسی عمومی

(فروغ)

دیدنی‌های امروز، درس‌های فردا

عجیب است که هنوز این طور مراقبت می‌کنیم، فقط برای بیرون رفتن از خانه. ترس از دست دادن و بدآموزی داریم برای آدم‌هایی که واقعا می‌بینیم اما مجازی‌ها را از قلم انداخته‌ایم. بگذارید یک قدم به عقب برگردیم. دیروز در تقویم به نام روز جهانی دختر ثبت شده بود به این بهانه که از گروه سنی مهمی حرف بزنیم که قرار است در آینده مادری، همسری یا اصلاً بدون این‌ها در هر کجای این جهان زندگی کنند و از میان همه اطلاع‌رسانی‌ها و آگاه‌سازی‌ها ما در اینجا در باب آگاه‌سازی روانی حرف خواهیم زد.

اکنون جمله ابتدای متن را دوباره بخوانید. اگر دختری دارید که همه نگرانی‌تان رفت‌وآمد او در خیابان و محیط‌های عمومی است و در زمان مجازی شدن مدرسه‌ها خیالتان راحت‌تر شده است، سخت در اشتباهید. تعجب نکنید زیرا همان تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی داخل آن برایش کافی است که او را به دنیایی بیندازد که زمینه آشنایی با آدم‌ها، وارد شدن به رابطه‌های نسنجیده و ابتلا به اختلالات روحی را برایش فراهم خواهد آورد.

چقدر به نتیجه حضور در این شبکه‌ها در درازمدت فکر کرده‌اید؟ شبکه‌هایی همچون اینستاگرام. ماهیت این شبکه‌ها و آن آدم‌ها همین است که چهره یک انسان مرفه، بی‌دغدغه، خوشبخت و مد روز را به نمایش بگذارد. چنین تصاویری برای دختران به‌ویژه در نوجوانی که به دنبال کسب جذابیت

ظاهری و توجه اطرافیان هستند، خیلی زود الگو خواهد شد. اما این تصاویر از شکل واقعی زندگی بسیار دور است. زندگی روزمره یک دختر طبقه متوسط یا پایین، سرشار از مشکلات روابط بین‌فردی والدین و اعضای خانواده، مضیقه‌های مادی، از دست دادن عزیزان، تنهایی، شکست‌های عاطفی، مشکلات تحصیلی، پذیرفته نشدن در رشته و دانشگاه مورد علاقه و بسیاری موارد دیگر است. حالا شکاف بین دیده‌ها و آنچه هرروز تجربه می‌کنند را چه چیزی پر می‌کند؟ البته مشکلات روحی و احساس ناتوانی و حقارت. هرچند ابتلا به اختلالات روحی به زمینه خلقی همچون زودرنجی، کمال‌گرایی، وسواس و اضطراب ... نیاز دارد، بسیاری از دختران جامعه ما که نمونه‌ای از همه جامعه هستند، به راحتی به آن‌ها مبتلا خواهند شد. افسردگی، کمال‌گرایی، تشدید اختلالات اولیه و مشکلات زیاد دیگری ممکن است برای آن‌ها ایجاد شود. همه این‌ها می‌تواند با افزایش سن دختران زمینه‌ساز مشکلات دیگری همچون افت تحصیلی، بالا رفتن سن ازدواج، شکست در زندگی مشترک، تمایل نداشتن به فرزندآوری، آسیب‌های شغلی و مسایل دیگر شود.

اگر قرار است چند سال دیگر درباره درمان آن مشکلات روحی سخن بگوییم، خیلی دیر خواهد بود و لازم است اصل پیش‌گیری مقدم بر درمان را مرور کنیم و درباره سلامت روان دخترانمان آن را به کار بگیریم که سلامت روانی خانواده‌های آینده به همین بستگی دارد.



عکس: مهدیه فتوویان

شهربانو

شنبه
۱۹ مهر ۱۴۰۰
۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ شماره ۳۵۰۰

(۳)

پایان شب سیه چگونه سپید می‌شود؟

مادران در شادی‌آفرینی چه نقشی دارند و چگونه می‌توانند فرزندان توانمندی پرورش دهند؟

✚ ضرب‌المثل ایرانی «پایان شب سیه، سپید است» را چه اندازه باور دارید؟ در زندگی روزمره و در میان ناکامی‌های اجتماعی‌تان چه اندازه به رسیدن روزهای کامیابی اجتماعی باور دارید؟ زمانی که تحت فشارهای اجتماعی دیگر تاب دوام نداشتید، چگونه تا زوال موقتی مصائب شکست‌ناپذیر ماندید؟ در دوره کوتاه یا بلند شکست‌ناپذیری‌تان چه افرادی همدلانه و همراهانه یاورتان شده‌اند؟ آنچه مسلم است این است که در مسیر پایداری و تلاش‌های اجتماعی، حضور مثبت یا منفی بسیاری نقش دارد. اینکه امروزه شما با هر سن و در هر شرایط زندگی‌ای که هستید چه میزان احساس رضایتمندی از خود دارید نتیجه تعامل‌های شما در جامعه و اصلی‌ترین محیط یعنی خانواده‌تان است. در خانواده، نقش مادر به عنوان تأمین‌کننده نیاز عاطفی و اثرگذار بی‌واسطه بر شکل‌گیری عزت نفس و اعتماد به نفس شما، نقشی بسیار مهم است. چنانچه شما از زندگی‌تان احساس رضایتمندی نسبی داشته باشید و در جهت رسیدن به اهداف یا استفاده از فرصت‌های زندگی‌تان عملکرد خود را مثبت ارزیابی کنید، شادی درونی و آرامش نسبی ذهنی را تجربه می‌کنید. این شادی درونی سبب افزایش امید به زندگی می‌شود زیرا به شما نوید می‌دهد در صورت شکست‌ناپذیری، صبح روشن رضایتمندی و آرامش را نیز تجربه خواهید کرد. اما آیا به تنهایی قادر خواهید بود به این ارزیابی از خود و سنجش میزان رضایتمندی‌تان دست یابید؟

✚ احساس رضایتمندی متأثر از انتظارات اجتماعی است

تا خود امروزتان را با خود دیروز و امکانات و محدودیت‌هایتان مقایسه نکنید، توان این سنجش را نخواهید داشت. در مرحله‌ای وسیع‌تر، افراد حتی در رقابت‌های اجتماعی، خود را با دیگران نیز مقایسه می‌کنند و میزان موفقیت و رضایتمندی از زندگی را نتیجه به تأیید اجتماعی و دیگران مهم و غیرمهم می‌دانند. جدا از اینکه سنجش خود در یک مقایسه اجتماعی با دیگران که شخصیت، شرایط خانوادگی، امکانات و محدودیت‌هایی متفاوت از شما داشته‌اند تا چه اندازه می‌تواند سنجشی ناکارآمد باشد، پر واضح است که سنجش میزان رضایتمندی شما از خودتان در یک ارزیابی جامعه‌محور صورت می‌پذیرد به این شکل که خودتان را با خودتان هم که مقایسه می‌کنید، یعنی خود قبلی با خود فعلی با خودی که در آینده انتظار دارید باشید، همه بر مبنای انتظارات اجتماعی است. معیار مقایسه انتظاراتی است که در ذهن شما با تعامل‌های اجتماعی‌تان شکل گرفته است. اینکه مثلاً فرزند شما در کنکور چه رتبه‌ای کسب کرده باشد یا ورودش به بازار کار چه دستاوردی داشته است و نحوه تعامل شما با انتخاب‌ها، شکست‌ها و موفقیت‌های فرزندان یا همسر یا خودتان متأثر از نگاه جامعه و در نظر داشتن ارزیابی دیگران از شما بر اساس معیارهای صحیح یا ناصحیح اجتماعی است. همان اصطلاح رایج «حرف مردم» سنجشی که به طور گسترده در فضای کلی جامعه رایج است و از سوی خانواده‌ها نیز مورد تأیید و بازنشر قرار می‌گیرد، رویکردی اجتماعی که بر میزان رضایتمندی شما

از زندگی و متعاقب آن احساس شادمانی اثرگذار است به‌ویژه این روزها که بحران‌های مختلف ملی و جهانی میزان رضایتمندی و احساس شادی ناشی از زنده بودن و زیستن را تحت تأثیر خود دارد و افسردگی‌های ناشی از ناکامی‌های اجتماعی را که آن‌ها نیز ناشی از بحران‌های گسترده کنونی هستند به دنبال داشته است. اما چرا این مسئله در مسیر زندگی اجتماعی مهم می‌شود و در چه مواردی باید از اثرگذاری حرف مردم بر تصمیم‌های فردی و خانوادگی کاست؟ حذف آنچه مردم درباره زندگی شما می‌گویند و البته شما نیز متقابل درباره زندگی آنان می‌گویید امری ناممکن است از این جهت که به طور فرهنگی در فرایند جامعه‌پذیری شما در ذهن‌تان درونی و با زندگی روزمره عجین شده است. این ارزیابی‌های همیشگی بر مبنای مقایسه‌های اجتماعی، شما را در معرض سنجش مداوم رضایتمندی از خودتان و دیگران قرار می‌دهد. به طور عمومی می‌توان میزان اشتغال فکر افراد به مباحث مقایسه‌گری روزمره را متأثر از خانواده دانست. در این راستا یک نکته مهم وجود دارد که به‌ویژه مادران چنانچه مایل باشند که خانواده‌ای با درصد افسردگی کم و رضایتمند از زندگی داشته باشند باید آن را در نظر بگیرند توجه به نقش مادر به عنوان یک تسهیلگر است، نه یک فرمانده.

✚ تسهیلگری بر فرماندهی اولویت دارد

تسهیلگر روابط درون خانواده باشید. تسهیلگری را با ارائه مشاوره و هم‌فکری در زمان تجربه‌های مختلفی که افراد خانواده‌تان در جامعه دارند انجام دهید. اجازه دهید فرزندان نیز ایده‌های مخصوص خود و نگاهی حتی متفاوت از شما به جهان پیرامونشان داشته باشند. اهمیت درک شما از نقش مادری‌تان به عنوان تسهیلگر در مسیر جامعه‌پذیر شدن فرزندان به جای اعمال نقش فرماندهی و سلطه‌طلبی بر فرزند، سبب می‌شود اعتماد شکل بگیرد و فرزند رفتار عقلانی را که موجب احساس رضایتمندی نهایی در انتخاب‌هایش می‌شود از شما بیاموزد. اما این سبک تعامل مشاوره‌محوری به جای فرمانده‌فرمانبری چه منفعتی برای کانون خانواده‌تان خواهد داشت؟ خانواده را از محیط نبرد برای برتری و قدرت‌طلبی به محیط مشورت و گفت‌وگو تبدیل می‌کند که پیامد آن تجربه فضایی قابل اعتماد در برابر ناامنی‌های ناشی از مقایسه‌ها و انتظارات اجتماعی است. فرزندان امروزی در جست‌وجوی ارزیابی منصفانه در برابر مقایسه‌گری‌ها هستند و میزان رضایتمندی خود از زندگی را به عوامل وسیع‌تری در مقایسه با گذشته پیوند می‌دهند. ارزیابی منصفانه‌ای که از شما انتظار دارند در سایه پرورش صحیح تفکر عقلانی و توجه به خردورزی ممکن می‌شود. مادری کردن کارآمد و مورد پذیرش یعنی مادری خردمندانه. به عنوان یک مادر خردمند و تسهیلگر، الگوی خانواده‌تان شوید و محیطی سرشار از اعتماد متقابل فراهم آورید تا در سایه آن رضایتمندی ایجاد شود و شادی درونی و امید به زندگی در این دوران طاقت‌سوز بحران‌های متوالی جان‌تازهای بگیرد. از تغییر مثبت نهراسید.



مہتاب
علی نژاد

دکترای
جامعه‌شناسی

هنگامه



عکس: سانا ز صفایی | شهر آرا

گفت و گو با بانو گل بهار حیاتی، هنرمندی که به تکه های بی ارزش پارچه ها جان می بخشد

هنر روزهای تنهایی

نقش اصلی روایت این شماره شهر بانو کسی است که به پارچه ها روح و جان می بخشد، آن هم نه پارچه های آن چنانی و زرق و برق دار بلکه دور ریز پارچه هایی که در خانه همه مادر بزرگ ها و خیاطی ها پیدا می شود. بانو گل بهار حیاتی از تکه های بی ارزش پارچه ارزش افزوده ای تولید می کند که تاکنون به واسطه آن برای کشورمان افتخار آفرینی کرده است. ۲۰ سالی می شود که در حرفه نقاشی فعالیت می کند و ۱۰ سال است که به صورت تخصصی در حوزه کلاژ و قطاعی پارچه مشغول است. بارها در جشنواره های استانی، ملی و جهانی مقام کسب کرده است و اکنون نیز مدیر عامل شرکت تعاونی کارآفرین گل بهار است. ضمن اینکه برای ۵۰ نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم شغل ایجاد کرده است. حیاتی نایب رئیس اتحادیه تعاونی های بانوان خراسان رضوی و بازرس اتاق تعاون استان است. در و دیوار آموزشگاه طوری نقاشی شده است که با محتوای تدریس در اینجا هم خوانی دارد. چند نفری روی بوم قلم می زنند. از دور که به تابلوهای حیاتی نگاه می بیند از دید، خیال می کند نقاشی است، اما به صورتی کار شده است تا سه بعدی به نظر بیاید. در صورتی که این طور نیست و این تابلوها همه رنگ و لعاب و برجستگی خود را از تکه پارچه هایی می گیرند که دور جعبه شیرینی یا دسته گل پیچیده می شود و پارچه هایی که از دوخت لباس، اضافه می آید که دیگر کاربردی ندارند. می توانید به نقاشی هایشان دست بزنید و برجستگی پارچه های ریزی را که تکه تکه روی هم سوار می شود تا منظره یا چهره ای خلق کند حس کنید. پارچه ها به صورت مستطیلی، مثلثی و ... بریده می شود و به قدری ظرافت کار بالاست که حتی حالت نگاه ها نیز برای مخاطب ملموس است. رتبه ها و مقام هایی که حیاتی تا به حال کسب کرده است بسیار است. او به عنوان نفر اول در جشنواره بین المللی رضوی در سال ۹۸ انتخاب شده و علاوه بر این بانوی برگزیده خراسان رضوی در حوزه کارآفرینی در سال ۹۴ است. او دارنده دیپلم و دانشنامه افتخار از کالج هنر تانیس قزاقستان است.



سعیده آل ابراهیم

می کرد و در مشهد ساکن می شوند. اگر کمی قوه تخیلمان قوی باشد، ممکن است با مشاهده یک تابلوی نقاشی، غرق در خیال بافی های ذهن خود شویم و چند لحظه خودمان را در قباب آن منظره یا در دل یک خانواده روستایی تصور کنیم. حیاتی نیز معتقد است که هنر نقاشی روحیه آدم ها را شاد می کند. آرام و باطمینان صحبت می کند و شاید این هم یکی از خصلت هایی است که به واسطه این هنر در او ملموس تر دیده می شود. «زندگی مشترکمان را شروع کردیم. روزهای سختی را

نفت، بانک یا گمرک بود. اما او از کودکی شعر می گفت و حتی در دوران جوانی چند شعر او در یکی از روزنامه ها چاپ شد. شاید همین روحیه لطیف او را باز هم به سمت هنر می کشاند. سوم دبیرستان بود که جنگ شروع شد. باور دارد که این اتفاق زندگی و سرنوشت مردم جنوب را تغییر می دهد. او و خانواده اش نیز برای زندگی به شیراز نقل مکان می کنند. بیست و پنج سالگی با همسرش ازدواج می کند و انگار قرار بود تقدیر در شهر دیگری برایش رقم بخورد. باز هم باید محل زندگی اش را عوض

روحیه لطیفی که آینده کاری ام را رقم زد اینجا آموزشگاه مشترک حیاتی و همسرش، نادر سیار، است. همسر او نقاش، مینیاتورست و عضو انجمن مجسمه سازان ایران است. عمر فعالیت او در این عرصه به ۴ دهه می رسد. حیاتی اهل آبادان است، همان جایی که مردم خون گرم و البته صبوری دارد. پدرش در شرکت نفت کار می کرد و مادرش خانه دار بود. رشته تحصیلی اش اقتصاد بود و به اقتضای شهری که در آن زندگی می کرد، آینده کاری ای که برای خود تصور می کرد کارمندی در شرکت

گذراندم زیرا در این شهر کسی را نداشتم و تنها بودم. خانواده‌ام دور بودند و آسان نبود که خودم را با این شرایط وفق بدهم، اما بعد از اینکه دختر و پسر به دنیا آمدند، از همسرم خواستم به من نقاشی یاد بدهد. با وجود رسیدگی به کارهای ۲ بچه و خانه‌داری، نقاشی سخت بود، اما شب‌ها که بچه‌هایم می‌خوابیدند برای نقاشی تکرار و تمرین می‌کردم تا یاد بگیرم.»

✚ می‌خواستم حافظ محیط زیست باشم

هنر نقاشی روح حیاتی را جلا می‌بخشد و بعد از مدتی، ابتدا همسرش پیشنهاد می‌دهد که او در نقاشی، آثار متفاوت‌تری را خلق کند. حیاتی نیز اوایل با دانه‌های جامدی که در کارخانه رنگ‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد، کار کلاژ را شروع می‌کند. این کار ابداع خودش بود، اما به این دلیل که این دانه‌ها حافظ محیط زیست نیستند و تجزیه آن‌ها طول می‌کشد، تصمیم می‌گیرد جایگزینی برای آن‌ها انتخاب کند. «با خودم گفتم اگر می‌خواهم حافظ محیط زیست باشم، باید همان چیزی را که در سطل زباله ریخته می‌شود به ارزش افزوده تبدیل کنم. بنابراین از پارچه‌های دورریز استفاده کردم. اولین اثری که خلق کردم، آرامگاه خیام و بعد از آن تخت جمشید بود که به نسبت تکه‌پارچه‌های درشت‌تری در آن به کار بردم و به مرور پارچه‌ها ریزتر شد.»

دورتادور دیوارهای اتاقی که در آن گفت‌وگو می‌کنیم، در چند ردیف، تابلوهای حیاتی به دیوار نصب شده است. طبیعت، نور، در چوبی، حالت چهره، نوع نگاه و ... در تابلوها پیداست. قیچی، پنس جراحی، کاردک و چسب همه ابزار کاری است که روی میز به چشم می‌خورد. خیاطی‌ها نیز تکه‌پارچه‌ها را کیسه کیسه برایشان می‌آورند تا حیاتی آن‌ها را به اثری فاخر بدل کند. «کار پرهزینه‌ای نیست، اما هنر دست است و نتیجه نهایی کار، قیمت تقریباً گرانی دارد. تکنیک کلاژ بعد از جنگ جهانی دوم که تحریم همه‌گیر شده بود و نقاش‌ها برای تهیه رنگ در مضیقه بودند باب شد که به جای رنگ، از اشیایی مانند پیچ و مهره، نخود و لوبیا، کاغذ یا ... استفاده می‌کردند. اما من از تکه‌های بسیار ریز پارچه استفاده می‌کنم و اثر هنری دیگران را با این میزان جزئیات ندیده‌ام. بعد از اینکه از کارهایم استقبال شد، تصمیم گرفتم آثار ونگوک، نقاش هلندی، را به صورت کلاژ در بیاورم که خیلی مورد توجه قرار گرفت.»

✚ اثری که در موزه سلطنتی هلند نصب شد

حیاتی تا کنون نمایشگاه‌های متعددی در کشورهای مختلف اسپانیا، ترکمنستان، آلمان، هلند، بلاروس و ... برگزار کرده است. ۲ سال گذشته نیز در مسابقات جهانی رامبراند (نقاش معروف هلندی) شرکت می‌کند و اثر «نگهبانان شب» را به صورت کلاژ ارائه می‌دهد که میان ۸ هزار و ۳۰۰ اثر از سراسر جهان برای نصب در موزه سلطنتی هلند انتخاب می‌شود. «این اثر را با حدود ۱۰۰ هزار قطعه میلی‌متری از پارچه‌های دورریز ارائه دادم و پس از ۴ ماه نصب در موزه، در یک جراحی به فروش رسید.»

او در سال ۹۶، یک شرکت تعاونی در حوزه صنایع دستی و هنرهای تجسمی راه‌اندازی می‌کند که همان سال به عنوان شرکت تعاونی برتر ملی ایران برگزیده می‌شود و سال ۹۸ به دلیل اینکه این شرکت حافظ محیط زیست و همراه با خلاقیت بود، به عنوان برتر سبز ملی کشور انتخاب می‌شود. «پس از آن در دوره رشد پارک علم و فناوری پذیرفته و

جزو شرکت‌های صنایع خلاق ایران شدیم. سال گذشته نیز در مسابقات ملی پیستا که متولی برگزاری آن صندوق ملی شکوفایی و نوآوری بود، شرکت کردیم و به عنوان یکی از پنج شرکت خلاق ایران برگزیده شدیم.»

✚ آموزش به شرط اشتغال

او رؤیایی در سر دارد. آن هم این است که روزی زنان ایرانی که توانمند نیز هستند به خودباوری برسند. او معتقد است زن ایرانی می‌تواند خلاق و توانمند باشد و اگر خودش را بشناسد، قادر به انجام هر کار دشواری است. همین دیدگاه موجب می‌شود به فکر اشتغال‌زایی بیفتد. «تا به حال گفته‌ام و باز هم می‌گویم در این آموزشگاه به روی زنان و دخترانی که از لحاظ مالی وسعشان پایین باشد، باز است و به آن‌ها به شرط اشتغال، رایگان آموزش می‌دهم. اکنون شاگردانی دارم که از مسیرهای دوری مانند سیدی یا شهرک شهید رجایی چند اتوبوس عوض می‌کنند تا به آموزشگاه برسند، اما به این هنر علاقه‌مند هستند و سختی آن را می‌پذیرند. ضمن اینکه نیاز مالی‌شان تأمین می‌شود. خوشبختانه تا به حال به این واسطه برای ۵۰ نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم شغل ایجاد شده است.»

او حتی می‌خواهد پای این هنر و اشتغال‌زایی را به زندان زنان نیز باز کند. حیاتی معتقد است زنان زندانی این مهارت را می‌آموزند و علاوه بر اینکه ذهنشان از مشکلات رها می‌شود، بعد از زندان می‌توانند منبع درآمدی برای خود داشته باشند. «می‌خواهم به بانوان بگویم یک هنر

را در هر زمینه‌ای که باشد، برای تنهایی‌های خودشان یاد بگیرند زیرا همیشه اطراف آدم شلوغ نیست و باید به فکر یک سرگرمی هم‌چنین منبع درآمد برای خودمان باشیم. هنرهایی هست که مانند کلاژ به ابزار خاص یا گران‌قیمتی نیاز ندارد و حتی همین هنر را می‌توانند در خانه‌شان انجام بدهند.»

حیاتی بر این باور است که رغبت به کار کلاژ حتی بیش از نقاشی است، اما هم‌اکنون مردم دغدغه معاش و غذای جسمشان را دارند و دیگر دغدغه غذای روحشان را ندارند تا بخواهند با دیدن یک تابلو به آرامش برسند. «در این مقطع زمانی، قشر خاصی کارها را تهیه می‌کنند، اما دوست دارم کارهای کوچک‌تری با قیمت مناسب‌تر نیز ارائه بدهم تا افراد بیشتری بتوانند از آن استفاده کنند.»

این هنر با اینکه هزینه‌ای در بر ندارد، طاقت‌فرساست و به گفته او، عوارضی مانند گردن‌درد، ضعفی چشم و درد دست را به دنبال دارد. بعد از سال‌ها کار، انگشتانش کمی حالت و عینکی مقابل چشمانش قرار گرفته است. «برای تکمیل کارها، ممکن است ۸ ساعت مداوم پای کار باشم و نمی‌توانم آن را رها کنم زیرا با هر تابلو حس می‌گیرم. دست کم ممکن است ۴ ساعت مداوم کار کنم. طرح‌ها به صورت ذهنی یا کپی از روی یک تصویر و نقاشی است. بیشترین زمانی که طول می‌کشد تا یک تابلوی پرکار را آماده کنم یک ماه است.»

✚ دریافت موافقت اصولی فنی و حرفه‌ای و مجوز نگارخانه

بارها موقعیت کاری بهتر برای حیاتی در کشورهایمانند آلمان و هلند پیش می‌آید، اما هر بار خودش انتخاب می‌کند در کشور بماند. او خودش را مانند درختی تنومند توصیف می‌کند که اگر از ریشه جداش کنند، می‌خشکد. دیگر نهال نیست که در حال رشد باشد و بتواند خود را با هر شرایطی وفق بدهد. «در حال حاضر آموزش مجازی این هنر را به راه انداخته‌ام که حتی افراد از خارج از کشور هم می‌توانند در این دوره‌ها شرکت کنند. به فکر راه‌اندازی نمایندگی در شهرهای دیگر هستیم. ۱۸ سالی می‌شود که برای نقاشی، آموزشگاه داریم و به‌تازگی، موافقت اصولی سازمان فنی و حرفه‌ای را گرفته‌ام تا بتوانیم مدرک بدهیم و مجوز نگارخانه را نیز دریافت کرده‌ایم.»

مسیر هیچ زندگی‌ای تا مقصد آن هموار نیست و شخصیت انسان در همین سختی و چالش‌ها ساخته می‌شود. حیاتی نیز به‌ویژه در اوایل کار و شروع زندگی مشترک، سختی‌هایی را تحمل می‌کند که حالا به شیرینی و موفقیت بدل شده است. او معتقد است زنان نباید از سختی‌ها هراس داشته باشند. «اوایل اجاره‌نشین بودیم. حتی ۳ بار ورشکست کردیم و خیلی سختی کشیدیم، اما باز هم دوباره شروع کردیم و ناامید نشدیم. خوشبختانه به مرور سفارش‌ها زیاد شد. سخت کار کردم و فوت و فن کوزه‌گری کار را نیز به همه آموزش می‌دهم و به این دلیل که برای بقیه خوبی خواسته‌ام، کارم برکت دارد. از دانشگاه‌ها هم دعوت به همکاری کردند، اما همین‌جا دانشگاه من است. در مدت ۸ ماهی که به دلیل کرونا، کسب‌وکار خیلی از افراد مانند ما تعطیل بود، باز هم بانوانی که با ما در ارتباط هستند، در خانه‌هایشان کار کردند و حقوق آن‌ها را پرداخت کردیم.»

✚ هنرمندان من را قبول نداشتند

او اوایل که شروع به کار می‌کند چند نمونه از تابلوهایش درست از کار در نمی‌آید، اما باز هم تلاش می‌کند و حالا زمانی که به آن روزها می‌اندیشد، لبخند رضایتی گوشه لبانش جا خوش می‌کند. او شعارش در هنر کلاژ، از هیچ به همه چیز رسیدن است. «اوایل خیلی کارها خراب می‌شد، اما چندباره پارچه‌ها را می‌کندم و دوباره می‌چسباندم تا طرحی که می‌خواهم به دست بیاید. نکته مهم این است که نباید به این بهانه‌ها دست از کار کشید. حتی اوایل کارم، زمانی که در جشنواره‌ها شرکت می‌کردم و رتبه می‌آوردم، هنرمندان دیگر من را قبول نداشتند و مزه‌هایی می‌شنیدم که می‌گفتند کار مهمی انجام نداده و تنها پارچه‌ها را به هم چسبانده است. اما من اهمیت ندادم و در همه این سال‌ها برای هر کدام از تابلوهایم جداگانه فکر کردم تا جزئیات و ترکیب رنگ درستی داشته باشد.»

انگار که سرشت حیاتی و خانواده‌اش با هنر نقاشی و تکنیک‌های مختلف آن گره خورده است که علاوه بر خود و همسرش، فرزندانش نیز دستی بر آتش این هنر دارند. «دخترم نقاش و نگارگر است. کارشناسی ارشد هنر می‌خواند و تکنیک کلاژ را نیز به‌خوبی یاد دارد. رشته درسی پسرم مهندسی نفت است و به عنوان مجسمه‌ساز و نقاش نیز فعالیت می‌کند. بدون حمایت همسر، موفقیت و تلاش من به نتیجه نمی‌رسید. او همیشه از من حمایت کرد و هرجا که سرخورده می‌شدم، به من امید می‌داد.»



شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴۰۰
۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ شماره ۳۵۰۰

(۵)



مهر مادری تحقق بخش همه رؤیاهای میان سالی است

زنان باید نقش خود را

در سلامت خانواده و جامعه جدی بگیرند



وجود فضای آرامش بخش در خانه باعث رشد استعدادها و پیشرفت اعضای خانواده می شود. بر اساس طبقه بندی نیازهای انسان که توسط یکی از روان شناسان سرشناس به نام مزلو انجام شده است، نیاز به احساس عشق و محبت و احساس تعلق خاطر جزو نیازهای پایه ای ماست. اگر این نیازهای پایه تأمین نشوند، نمی توانیم به نیازها و استعداد های سطح بالاتر خود بیندیشیم و برای رسیدن به آن ها تلاش کنیم.

ما زنان با برعهده گرفتن ۲ نقش در محیط خانواده، یعنی نقش همسری و مادری، ۲ عملکرد متفاوت را با محوریت عواطف از خود نشان می دهیم. در نقش همسری چنانچه خصوصیات روانی همسر خود را به عنوان مرد در نظر گرفته و نسبت به، برطرف کردن و تأمین آن نیازها حساس باشیم آنگاه است که مرد در قلب خود احساس آرامش می کند. همین احساس آرامش باعث می شود تا او نیز نسبت به نیازهای همسرش به عنوان زن حساس و پاسخ گو باشد. بنابراین می بینیم که چرخه ای از ابراز محبت و تأمین نیاز در خانواده شکل می گیرد که نتیجه نهایی آن پدید آمدن احساس آرامش در خانواده است.

مردان نیاز دارند تا از طرف زنان خود به عنوان فردی تأمین کننده و توانمند و قابل تکیه کردن شناخته شوند. برای رفع این نیاز می توان در محیط خانواده و اجتماع از ویژگی های تأمین کنندگی همسرمان حمایت و تعریف کنیم تا احساس شکست از تشکیل یک زندگی موفق در ذهن آن ها تثبیت نشود. زنان در جایگاه مادری نیز در ایجاد سلامت روان نقش مؤثری دارند. نقش زن در جایگاه مادر در تمام دوران زندگی از نوزادی کودک تا نوجوانی و جوانی قابل واگذاری به شخص دیگری نیست. بن مایه شخصیت اصلی انسان در ۶ سال نخست زندگی شکل می گیرد که از این ۶ سال، ۲ سال اول زندگی از اهمیت قابل توجهی برخوردارند. زمانی که کودک به دنیا می آید هیچ تصویر تعیین شده ای از دنیا ندارد؛ اینکه آیا دنیا جای امنی است، آیا دیگران مورد اعتماد هستند و... این ها پرسش هایی است که در آینده نحوه تعامل کودک را با خود و دیگران رقم می زند. اما چه کسی در ذهن کودک اولین تصاویر را می سازد و آینده او را مثبت یا منفی این چنین تحت تأثیر قرار می دهد؟ بله! مادر یا هر کس دیگری که در نبود مادر می تواند نماینده او باشد، مثل مادر بزرگ، خاله یا مادر خوانده. مهم ترین فرد زندگی هر انسانی همان زنی است که جلوه عطوفت و آرامش بخشی است. حال اگر این وجود مهربان از سر ناآگاهی، غفلت یا مسائل و مشکلات روانی و عاطفی عملکرد خود را به درستی ایفا نکند، آنگاه یک انسان و آینده او می تواند دچار آسیب جدی شود. زن با حساس بودن، در دسترس بودن و هم چنین پاسخ گویی به موقع به نیازهای نوزاد خود می تواند در ذهن کودک خود اولین تجربه آرامش بخش اینکه دنیا امن است و توارزشمند و دوست داشتنی هستی را تثبیت کند. در صورتی که یک مادر این خصوصیات را نداشته باشد، آن تصویر و به اصطلاح دقیق تر طر حواره به صورت ناکارآمد شکل می گیرد و حتی در دوران بزرگ سالی و در ارتباط با سایرین و خصوصاً همسر نیز جلوه می کند و رابطه ای ناسالم به وجود می آورد.

برای نمونه افرادی هستند که حتی در بزرگ سالی به سایرین بسیار بی اعتماد هستند و می گویند به هیچ کسی نمی توان اعتماد کرد. یکی از دلایل این حس بی اعتمادی و ناامنی این است که در دوران نوزادی، مادری که باید در دسترس کودک باشد و به نیازهای نوزاد خود حساس باشد، این نقش مهم را رها کرده و کودک را با جهانی از بی اعتمادی و احساس نبود یک تکیه گاه تنها گذاشته است. بنابراین نخستین تجربه های زیستی انسان که در خانواده و خصوصاً از سوی مادر رقم می خورد نقشی کلیدی در سلامت روان افراد جامعه دارد.

عکس تزئینی است



➤ تأثیر سلامت روانی زن بر اجتماع

نقش زن در کانون خانواده به عنوان محور عاطفی در تأمین نیازهای مرد در خانه و تحقق امنیت روانی او، نقطه آغازی برای حضور مؤثر و سالم مرد در اجتماع است.

چنانچه زن در نقش همسر و مادر رسالت مهم تأمین نیازهای عاطفی و روانی خانواده را به خوبی انجام ندهد، نارضایتی مرد و به تبع آن عدم رضایتمندی زن رخ خواهد داد. تأمین نکردن نیازهای عاطفی و روانی همسران در محیط خانواده باعث ایجاد کمبودهای عاطفی می شود که خود عاملی برای بروز آسیب های اجتماعی و روانی از جمله طلاق می شود، پدیده ای نسبتاً شایع که به مقدار زیادی آسیب ها و معضلاتی بر پیکر اجتماع وارد کرده و سلامت روان جامعه را به مخاطره انداخته است.

بر اساس آنچه گفته شد، جایگاه همسری و مادری، به عنوان ۲ نقش اصلی زنان در نظام اجتماعی، امنیت و سلامت روانی اجتماع را در درون نهاد خانواده تضمین کرده است، چنانچه کسی جز زن نمی تواند این نقش را برعهده گیرد. این جایگاه چندان اهمیت دارد که در دین و سیره اهل بیت نیز به آن توصیه فراوان شده است. پیامبر اکرم (ص) این رسالت را «جهاد زنان» خوانده اند. امیرالمؤمنین علی (ع) در حکمت ۱۳۶ نهج البلاغه درباره جهاد و نقش زنان می فرماید: جهاد زن همسرداری نیکوست.

هم چنین زنان با رعایت حجاب و حیا می توانند در ایجاد فضایی سالم در جامعه نقش مهمی را ایفا کنند. رعایت حجاب با ایجاد حریم، فضایی امن برای زن فراهم می کند، فضایی که در آن نیاز زن به امنیت تأمین می شود. اگر زنان در زندگی روزمره خود در بازار، محل کار و... احساس امنیت نکنند و در جاتی از ترس و اضطراب داشته باشند، به مرور این احساس ناامنی به شکل اضطرابی مزمن بروز خواهد کرد. زنان به دلیل اینکه بیشتر در معرض رفتارهای آسیب پذیر هستند در وجود خود به احساس امنیت بیشتری نیاز دارند. بنابراین برای در امان ماندن از برخی بی مبالاتی ها و به وجود آمدن احساس ناامنی، بهتر است با رعایت پوشش مناسب، خود را از این صدمات محفوظ نگه دارند.

بنابراین نمی توان نقش زنان را تنها در محدوده خانه و خانواده و سلامت روحی و روانی آن ها منحصر کرد بلکه دامنه آن را باید به سلامت و امنیت جامعه و هنجارهای اجتماعی نیز گسترش داد.

➤ سلامت جسمی

تمرین صحیح و منظم بدنی به عنوان بخش مهمی از وظایف روزانه هر فرد می تواند در سلامت و بهداشت روان جامعه و انجام وظایف و مسئولیت های اجتماعی که نیازمند بدنی نیرومند و قوی است اثرگذار باشد. نظر به اینکه بانوان محور سلامتی و نشاط در خانه هستند می توان گفت فعالیت بدنی تأمین کننده این سلامتی و نشاط است که موجب ترشح ماده ای به نام آندورفین در مغز می شود. این ماده نشاط آور است و زنی که هر روز ورزش می کند نه تنها رفتار ناشی از خستگی همسر و فرزندان بر او تأثیر منفی کمتری می گذارد بلکه آن را به نشاط و آرامش نیز تبدیل می کند. هم چنین فعالیت بدنی زیربنای آمادگی جسمانی، روانی، اجتماعی و دور شدن از پیری است. بنابراین توجه به فضاسازی های لازم برای ورزش زنان در جامعه عامل مؤثری در حفظ و تدوام سلامتی جسمی زنان و به دنبال آن سلامت روانی آن ها خواهد بود.

همان طور که اشاره شد، زن نقش عمده ای در ایجاد سلامت روان اعضای خانواده و به تبع آن اجتماع دارد. زن در ذات خود به دلیل استعداد های عاطفی و احساسی خود منشأ بروز عواطف و در نتیجه آرامش است. حال اگر آرامش زن تأمین نشود، دیگر نمی تواند در مسیر اصلی خود حرکت کند و مایه آرامش و گرمای کانون خانواده باشد. لذا اهمیت نقش اساسی مرد و توجه او به نیازهای زن مطرح می شود. اگر مردی خواهان این است که از منبع آرامش بخش زندگی خود بهره مند شود، باید به درستی زن را بشناسد و محیط آرامی را برای او فراهم آورد.



مقمان دوزی؛ هنر اصیل زنان ایرانی

مقمان دوزی یکی از هنرهای اصیل ایرانی است. این نوع سوزن دوزی سنتی با نخ‌های ابریشمین الوان دوخته می‌شود و بازی رنگ‌ها بسیار جلوه‌گری می‌کند. تنوع رنگ و نوع انتخاب نخ بی‌شک برگرفته از اقلیم مقمان است. نقوش مقمان دوزی نیز برگرفته از زیستگاه هنرمند است که شکلی ساده یافته و در اصطلاح هنری استلیزه شده است. هر نقش که در این سوزن دوزی دوخته می‌شود نامی خاص به زبان ترکی دارد. از این نوع سوزن دوزی برای تزئین روی کلاه، کفش، کمر بند، جلیقه رومیزی و زیرلیوانی استفاده می‌کنند. برای شروع دوخت، به لوازمی از این دست نیاز است: سوزنی چهارسنتی، نخ ابریشمی، پارچه دبیت، پارچه متقال. چون نخ ابریشمی ظریف است، ابتدا با توجه به مورد مصرف دوخت، نخ را چندلا می‌کنند و به هم می‌تابانند تا دوام دوخت بیشتر شود. سپس پارچه دبیت را با توجه به الگوی کالای مورد نظر برش زده و از پارچه متقال به عنوان لایه دبیت و در جهت زیرسازی و ماندگاری دوخت بهره می‌برند. در قدیم، کاغذی میان دبیت و متقال نیز قرار می‌دادند تا دوام کار بالا رود ولی امروزه انواع متریا ل مشابه مانند لایه‌ها را می‌توان جایگزین روزنامه کرد. اکنون باید برای ثابت نگه داشتن پارچه‌ها روی یکدیگر، کوک‌هایی در سطح کار دوخته شود. سپس بخش‌های مختلف کار با توجه به طرح دوخته می‌شود. اطراف نقش را به صورت حاشیه‌ای باریک با دوخت زنجیره در بالا و پایین حاشیه می‌دوزند. اگر فرم کار و نقش برگرفته از دایره باشد، دایره را نیز به ۸ بخش تقسیم می‌کنند و به صورت خطوط شعاع مانند می‌دوزند. بعد، هر ۲ خط ذکر شده را با ۲ کوک هشت‌مانند بلند به یکدیگر وصل می‌کنند تا فرم ستاره هشت‌پر شود. این کار را در زبان ترکی منطقه «آی چک ماخ» به معنای ماه کشیدن می‌گویند. وسط دایره اصلی را نیز که ممکن است فرمی ستاره‌ای شده باشد، دایره‌ای کوچک‌تر طراحی می‌کنند به نام «گوپک» یا ناف کار که دورتادور و درون دایره با نخ‌های مختلف ابریشمی زنجیره‌دوزی می‌شود. سپس درون پره‌های ستاره مانند کار، کوک‌هایی با توجه به فرم طرح به شکل ۷ خیلی فشرده و نزدیک به هم می‌دوزند. بعد از آن، دوختی به نام قزاقی که دندان موشی‌ای به شکل زیگزاگ است، برای کامل کردن اطراف دوخت استفاده می‌کنند. در طرح‌های دیگر که دایره‌ای نباشد، حاشیه‌ای دوخته می‌شود به این صورت که چند نخ ابریشمی درشت‌تاب را در محیط طرح قرار می‌دهند و برای ثابت کردن آن، بخیه‌های ریزی به رنگ نخ قبلی در سطح کار می‌دوزند. با این روش، چند ردیف کنار هم مثل یک حاشیه دوخته می‌شود. عمل ذکر شده را «سوپک ماخ» به معنای روکشیدن یا حاشیه کشیدن می‌گویند. دوباره با کمی فاصله، بارنگی دیگر، همان روش دوخت انجام می‌شود که این بار به نام «جوت لماخ» یعنی جفت کردن معروف است. مرحله بعد چندلا نخ را در کنار هم با کمی فاصله از حاشیه قبل ولی به موازات آن و به فرم چند بیضی می‌دوزند و روی آن نخ‌ها را کوک‌های ریز می‌زنند. این مرحله را «آق پراچماق» می‌گویند. بعد داخل بیضی‌ها باید با دوخت ضربدر با رنگ‌های الوان پر شود. نقش بته‌جقه در مقمان دوزی با دوخت زنجیره انجام می‌شود. یک ردیف روی دیواره بته‌جقه و ردیف بعد داخل بته‌جقه «شامل لخ» با رنگی دیگر می‌دوزند. حال داخل بته‌جقه با دوخت ضربدر پر می‌شود که به اصطلاح به آن «گل لاماخ» گویند.



دستور رئیس جمهور برای رفع محرومیت زنان

معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری از دستور رئیس جمهور برای رفع محرومیت از زنان با پرهیز از هدر دادن وقت و هزینه در پژوهش‌های تکراری و تدوین برنامه عملیاتی بر پایه تحقیقات انجام‌شده خبر داد. انسپه خزعلی در حساب توئیتر خود نوشت: دستور اکید ریاست محترم جمهوری برای رفع محرومیت از زنان با پرهیز از هدر دادن وقت و هزینه در پژوهش‌های تکراری و موازی، و تدوین برنامه عملیاتی بر پایه تحقیقات انجام‌شده.



سفری از ناتوانی تا توانمندی با چشمان بسته

به گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO) در سال ۲۰۱۷ از ۳۹ میلیون فرد نابینایی که در سرتاسر جهان زندگی می‌کنند، ۶۴ درصد دختران و زنان هستند. نابینایی در زنان بیش از مردان اتفاق می‌افتد زیرا زنان در معرض عوامل خطرزای بیشتری قرار دارند: عواملی همچون دسترسی کمتر به مراقبت‌های پزشکی در کشورهای در حال توسعه یا نزدیکی به کودکانی که بیشترین میزان باکتری را در بدنشان حمل می‌کنند. در آستانه روز جهانی نابینایان، می‌خواهیم به چند مورد از اقداماتی بپردازیم که در جهت بهبود وضعیت زنان نابینا یا توانمندسازی آن‌ها با کارآمدتر ساختنشان در جامعه صورت گرفته‌اند.

دستان یابنده، دستان بینا

در سال ۲۰۱۳، پروژه‌ای تحت عنوان «دستان یابنده» در آلمان آغاز به کار کرد که قصد داشت از ادراک لمسی فوق‌العاده نابینایان و افراد مبتلا به اختلالات بینایی برای بهبود فرایند معاینه دستی در تشخیص اولیه سرطان پستان استفاده کند. در این پروژه، طی دوره‌ای نه‌ماهه، به زنان نابینا یا مبتلا به اختلالات بینایی آموزش داده می‌شد به متخصصان معاینه کلینیک (CBEs) تبدیل شوند و بتوانند برای تشخیص زودهنگام این سرطان شایع در زنان مشغول کار شوند. تشخیص و درمان زودهنگام سرطان سبب می‌شود بتوان از روش‌های درمانی استفاده کرد که فرسایش کمتری برای بیمار دارند، و از این طریق، شانس بهبود او افزایش یابد.

بعدها پروژه‌های مشابهی نیز در کشورهای دیگر (از جمله کلمبیا و هندوستان) راه‌اندازی شدند که به همین طریق و با استفاده از موقعیت منحصر به فرد زنان نابینا، جایگاهی اجتماعی برای آن‌ها فراهم می‌کردند که آن‌ها را از افرادی وابسته به زانی مستقل و کارآمد تبدیل می‌کرد.

گروه موسیقی زنان نابینای مصر

ارکستر «النور و الأمل» به معنای «نور و امید» گروهی چهل و چهار نفره متشکل از زنان نابیناست که در سال ۱۹۷۱ تأسیس شد. این زنان که قادر به خواندن موسیقی یا دیدن رهبر ارکستر نیستند، با استفاده از روش‌های ویژه به‌خاطر سپاری نت‌ها و ساعت‌های متمادی تمرین، موفق به نواختن بدون نوشته یا هرگونه راهنمای فیزیکی می‌شوند.

پروژه آموزش و توانمندسازی زنان نابینا

این پروژه در هندوستان و از سوی دختری به نام تیفانی برار آغاز شد. او می‌گوید در هندوستان، زنان نابینا مجبورند سال‌ها در چهار دیواری خانه‌هایشان در اسارت باشند. آن‌ها به سبب ناآگاهی خانواده‌هایشان از یک طرف، و ناتوانی خودشان از طرفی دیگر، از پا گذاشتن به دنیای بیرون منع می‌شوند. او می‌گوید: «دلم می‌خواست این صحنه و این روایت تغییر کند و آرزویم توانمندسازی همه زنان نابینا به لحاظ تحصیلی و شغلی بود. این طور بود که راه‌حلی برای این مشکل یافتیم.» او که خود نیز نابینا است، بهتر از هر کسی می‌دانست زنان نابینا با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند. به همین دلیل، برنامه آموزشی ویژه خود را برای آن‌ها ارائه کرد. برنامه او شامل مواردی همچون کلاس دفاع شخصی، کلاس‌های آموزش شغلی، سمینارهایی درباره حقوق و مسائل حقوقی زنان دارای ناتوانی‌های جسمی، کلاس‌های آگاهی‌سازی سلامتی به‌ویژه کلاس‌هایی درباره بهداشت فردی زنان می‌شود. او می‌گوید پروژه‌اش تاکنون موفقیت‌آمیز بوده است و بازخوردهای مثبتی از زنان شرکت‌کننده در این دوره‌ها دریافت می‌کند.

<https://www.light-for-the-world.org/two-thirds-blind-people-are-women>

پرسش‌های حقوقی بانوان



زهره شوشتری
کارشناس حقوق

در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

آیا بعد از ازدواج مجدد زوج به دلیل عدم تمکین زوجه و با اجازه همسر اول و صدور حکم ازدواج مجدد از سوی دادگاه، زوجه می‌تواند ادعای عسر و حرج نماید؟ آیا با تقاضای وی برای طلاق موافقت خواهد شد؟

مورد اشاره شده در فرض سؤال نمی‌تواند از موارد عسر و حرج محسوب شود. البته باید توجه داشت ازدواج مجدد زوج با اجازه همسر اول خود یا اخذ اجازه ازدواج مجدد از دادگاه خانواده صلاحیت‌دار به دلیل نشوز زوجه، هرچند از مصادیق عسر و حرج زوجه به شمار نمی‌آید، با ازدواج مجدد زوج، زن حق پیدا می‌کند که از دادگاه خانواده صالح تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید و خود را مطلقه کند.

پدرم به خواهر و برادرم وکالت بلاعزل بیست‌ساله داده و همه چیز از خودش سلب شده است. در حالی

که پدرم ۸۵ سال سن دارد آیا راهی برای باطل کردن این وکالت وجود دارد؟

به صورت کلی، اگر وکالت در صحت کامل عقلانی و با اراده شخصی تنظیم شده باشد، نمی‌توان اقدامی در راستای بطلان آن انجام داد. البته در صورتی که بتوان حجر موکل (در فرض سؤال، موکل پدر است) را ثابت کرد که وی در زمان محجوریت وکالت‌نامه را تنظیم کرده است، وکالت باطل خواهد بود یا اگر انجام امور وکالت از موکل سلب نشده باشد و خود موکل (پدر) نسبت به آن اموال اقدامی از جمله انتقال و خرید و فروش انجام دهد، به معنی برگشت از وکالتی است که به فرزندان خود داده است و این مورد باعث ابطال خود به خودی وکالت‌نامه خواهد بود.

با توجه به اینکه در سؤال مذکور امکان دسترسی به متن دقیق وکالت‌نامه و بندها و شرایط آن وجود ندارد، نمی‌توان نظر دقیقی درباره سؤال مطرح شده عنوان کرد.

پدرم بازنشسته است. حدود ۶ سال پیش مادرم فوت کرد. او هم بعد از چند سال ازدواج کرد و چند ماه

بعد از ازدواجش فوت کرد. یک برادر دارم که از هر دوپا فلج مادرزادی است. امکانش هست همه حقوق پدر را به برادرم بدهند. سؤال بعدی اینکه زن دوم پدرم از همه اموال حتی سهام‌های چندین ساله‌اش هم ارث می‌برد؟

در باره مستمری با توجه به اینکه در باره تعداد فرزندان و جنسیت و تأهل آن‌ها اطلاعات دقیق بیان نشده است نمی‌توان درباره شرایط تقسیم مستمری نظر داد، اما به صورت کلی فرزندی که به دلیل نقص عضو یا بیماری قادر به کار نباشد، امکان دریافت مستمری را دارد. هم چنین در باره ورثه و تقسیم نکته مهم این است که ورثه پس از فوت متوفی کدام افراد خانواده باشند که مطابق آن ماترک (اموال) بین وراثت تقسیم می‌شود. اینکه اموال در چه زمانی به متوفی تعلق داشته مهم نیست.



شهربانو

۲شنبه
۱۹ مهر ۱۴۰۰
۴ ربيع الاول ۱۴۴۴ شماره ۳۵۰۰

(۸)

شهرزاد

الهام یوسفی
فعال فرهنگی



ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر مسئول
سید هادی فیاضی
سرپرست:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی

کتاب «تولستوی و مبل بنفش» خاطرات «یک سال هر روز یک کتاب» اوست، روش منتخب او برای عبور از اندوه سوگواری. این اثر در سال ۲۰۱۱ از طرف سایت گودریدز نامزد بهترین کتاب خاطرات و اتوبیوگرافی شد و قطعاً هر کسی که به ادبیات پناه برده باشد، این کتاب را درک خواهد کرد.

نینا این اندوه تلخ را تجربه کرده و در بین روزمرگی و خوگر رفتن به ملال و اندوه از دست دادن شریک تجربه‌های کودکی‌اش، یعنی خواهر بزرگ‌ترش، آن ماری، راه و روشی خاص پیش می‌گیرد تا بدین ترتیب در خلال آن به زندگی عادی خویش بازگردد و از اندوه و تلاش برای رویارویی با آن، فرصت زیستن دوباره و امید به زندگی را برای خود و اطرافیانش که همچون او با غم ازدست دادن روبه‌رو هستند رقم بزند.

«یک سال، هر روز یک کتاب!»، این نسخه به نظر پیچیده که نینا برای خودش و برای همه لحظه‌هایی که ناتوان از تحمل و صبوری در برابر رنج و اندوه است پیچیده است، تا چه اندازه می‌تواند برای همه کارساز باشد؟ کتاب «تولستوی و مبل بنفش» بیش از اینکه روایت برنامه کتاب‌خوانی یک زن در دهه ۴۰ یا ۵۰ زندگی‌اش باشد، مانند رساله‌ای است در باب اخلاق، مهربانی، انتخاب کتاب، ارزشمندی خانواده، تجربه اندوه و آنگونه که نینا از روزهای کتاب‌خوانی و یادآوری خاطرات، توجه به جزئیات، نتیجه‌گیری‌ها و ... در این اثر می‌گوید، این کتاب را به کتابی با روایتی داستانی تبدیل کرده است که تنها حالتی گزارش گونه ندارد که مخاطب مشتاق را خسته و ناامید کند.

در این کتاب نینا علاوه بر اینکه از برنامه کتاب‌خوانی‌اش روی مبل بنفش اتاق مطالعه‌اش می‌گوید، به کودکی‌اش سفر می‌کند، از رنج پدرش در زمان جنگ می‌گوید و تصویری دقیق از آن ماری، خواهری که مرگش برای او جانکاه است، ارائه می‌دهد.

بریده کتاب

مردم کتاب‌هایی را که دوست دارند به اشتراک می‌گذارند. آن‌ها می‌خواهند حس خوبی که موقع خواندن کتاب‌ها احساس کرده‌اند یا ایده‌هایی را که در صفحات کتاب‌ها یافته‌اند، با دوستان و خانواده سهیم شوند. خواننده کتاب با به اشتراک گذاشتن یک کتاب محبوب سعی می‌کند همان شور، شادی، لذت و هیجانی را که خودش تجربه کرده است با دیگران سهیم شود. چرا؟ سهیم شدن عشق به کتاب‌ها و یک کتاب به خصوص با دیگران کار خوبی است.

گذر از سوگواری با ادبیات

نگاهی کوتاه به کتاب «تولستوی و مبل بنفش»

بعد از مرگ یک عزیز چه اتفاقی می‌افتد که همه زندگی و همه شادی ما بلعیده می‌شود؟ چگونه باید ایام سوگواری را سپری کرد؟ چگونه باید از روزهای سوگ گذشت و به زندگی سابق برگشت؟ بدون تردید بسیار سخت، عبور از سوگواری برای عده‌ای پیچیده‌تر از آنی است که تصور می‌شود. گاهی به کمک یک همراه و درمانگر نیاز است، اما اگر این درمانگر نبود چه؟ اگر همراهی نبود که برای گذار از این مسیر به ما کمک کند، چه باید بکنیم؟ شاید هر کسی باید دنبال روش خاص خودش برای گذر از سوگ باشد. خانم نینا سنکویچ در کتاب «تولستوی و مبل بنفش» داستانی خواندنی گفته است از روزهای سخت از دست دادن، از درد جانکاه فراق، از روزهایی که امید و یأس به هم گره خورده‌اند و زندگی بوی برگ‌های خشکیده می‌دهد.



تولستوی و مبل بنفش
نویسنده: نینا سنکویچ
مترجم: لیلا کرد